

مذاکرات در دیوان حافظ

به کوی میکده یا رب سحر چه مشغله بود؟
که جوش شاهد و ساقی و شمع و مشعله بود
مباحثی که در آن مجلس جنون می رفت
ورای مدرسه و قال و قیل مسئله بود
دل از کرشمه ساقی به شکر بود ولی
ز نامساعدی بختش اندکی گله بود

جناب حافظ در ابتدا خودش رو کلا از مذاکرات بی خبر نشون می ده و سؤال می کنه و می گه به کوی میکده، یعنی توی عمان، شنبه صبح چه خبر بوده؟ در مصرع بعد هم می گه ماشالا همه دور هم جمع بودن و گل می گفتن و گل می شفتن! (البته غیرمستقیم!)

در بیت بعدی جناب لسان الغیب اعتراف می کنه که در جریان همه چی هست و می گه مباحثی که در اون جلسه غیرمستقیم مطرح شد، خیلی خیلی مهم بوده که ورای مطرح شدن اینجا و اونجاست!

در بیت آخر می گه خدا رو شکر جلسه خوب بوده و حضرت حافظ ابراز امیدواری کرده برای ادامه مذاکرات! در مصرع آخر می گه عجب که شایعه دروغین اون ماجرای برداشتن سهوی خودکار طلاکوب پخش شد!



در حاشیه سفر مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی به تهران

خودمونی اتمی ها

آقایون این دبه ها رو کی فرستاده دم درخونه ما؟ 🚚

عه؟ رسید دادا؟ باخودت بیر تهران.

دونالد جان دبه به اندازه سفارش دادی که؟

دبه برای چی؟ 😡

هیچی دیگه. گفتم که حق ندارن اورانیوم غنی شده داشته باشن. همه رو بکن توی دبه و بیار اینجا.

عه؟ مگه ایران قبول کرد؟

آره فکر کنم. به عراقچی پیام دادم. لایک فرستاد و گفت از نوع ایرانی ش. احتمالا قبول کرده دیگه. 🙏

آره داداش. حتما منظورش این بوده که قبول کرده. 🙄

گیرم قبول هم بکنن. دبه یلاستیکی برای انتقال خیارشوره نه اورانیوم غنی شده دیوانه. 🚚

منم بهش گفتم کارتن موز بگیره بهتره. ولی گوش نکرد. 😡

دوستان تاحالا تست هوش دادین هیچ کدومتون؟

آره بابا. من دادم. این قدر خوب بود که اول شدم. 🙏

نه بابا؟! جدی؟ 😡

پس چی؟! عدد یک رو نشونم دادن. حتما اول شدم. 🙏

ترامپ جان. من دیگه باشما حرفی ندارم. فقط بگو این آب مقطر ها چیه فرستادی؟

سپر دم دیگه آب سنگین هم نداشته باشن. رفتی اونجا. یواشکی بریز توی آب سنگین های اراک که سبک بشه. 🙏

خدای من! 🙏🙏🙏

گروسی leftthegroup

صفحه ۲

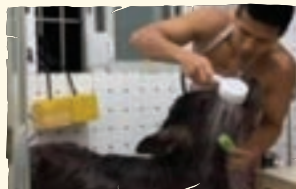
۳۰ فروردین ۱۴۰۴

شماره ۱۳۵

سکونت داخل کمپر

چنین دستوری داده است؟ بنابراین به رؤسای فدراسیون ها پیشنهاد می کنیم اگر خواستند به فرزندشان پستی بدهند، اول او را عاق والدین کنند تا دیگر قوم درجه یک نباشد. سپس از او استفاده کنند.

گاترین مستأجر هفته: خبر آمد یک مرد چینی که در خانه استیجاری خودش گوساله نگهداری می کرد. مجبور به تخلیه شد. واقعا که تا گوساله گاو شود، دل صاحبش آب شود. ولی بد نمی شد ما مردم هم توی هر واحد آپارتمان، گوساله داشتیم. آن را به لوله گاز دم در می بستیم. پوست هندوانه ها را کمتر می تراشیدیم تا یک چیزی هم به او برسد. از همه بهتر اینکه نه تنها دیگر واردکننده کود حیوانی از ترکیه نبودیم، بلکه صادرکننده هم بودیم.



مولای درز نروترین آمار هفته: وزیر مسکن گفت: در شهرها ۶۹ درصد مردم مالک خانه و ۲۳ درصد هم مستأجر هستند. البته اگر درصد مالکان و مستأجران را جمع کنیم، می شود ۹۲ درصد. نگران آن ۸ درصد بقیه هم نباشید. احتمالا داخل کمپر سکونت دارند!

مجلل ترین تجلیل هفته: طبق اخبار، مسئولان قمی به والدین یک نوجوان قهرمان کشتی جهان زنگ زده اند و گفته اند: می خواهیم از پسران تجلیل کنیم، حتما بیایید. بعد که رفته اند، به آن ها قابلمه هدیه داده اند. بهترین کار ممکن بود. چون اگر لیوان کریستال می دادند، ممکن بود بشکند. اگر لباس بود، ممکن بود اندازه نباشد. اگر طلا بود، حواسش از تمرینات به نوسانات طلاپرت می شد.

تمشکی ترین دستور هفته: وزارت ورزش اعلام کرد که اقوام درجه یک نباید در فدراسیون های کار گرفته شوند. واقعا چرا وزارت ورزش که باید گرم کردن کانون خانواده و اخلاق ورزشی را پیشه کند،

بازنشستگان از هراس هزینه های درمان در بیماری، اتمن می کنند

سه درد آمد به جانم انحصاری!
کمردرد و فشار خون، نداری
کمردرد و فشارم چاره داره
نداری و نداری و نداری!

ایران می تواند به قطب جهان محصولات حلال تبدیل شود

ای کاش ز جنس ما شود استقبال
هرجا بشود نوع حلالش ارسال
ای کاش به جای رفتن قطب شمال
کشور بشود قطب جهانی حلال

۵۵ درصد سالمنان بیش از ۶ سال در کشور دندان دارند

در بین دهان مستمندان
گیرم باشد هزار دندان
چون گوشت نمی توان خریدن
دندان به چه درد می خورد، هان؟

تقدیر با قابلمه از قهرمان کشتی جهان در قم

هر چیز که دادم همه گفتند کمه
انگار طلب ز بنده دارند همه
باید بدهم دفعه دیگر یک دیگ!
وقتی که کم است کاسه و قابلمه